

هو العليم

شمول استطاعت نسبت به حج پیاده در لسان آیات و روایات

نقد تفسیر فقهی زاد و راحله با استناد به آیات و سیره پیامبر

سلسله دروس خارج فقه - کتاب الحج - ادامه باب استطاعت در حج - جلسه هشتاد و یکم

استاد

آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی
قدس الله سرّه



أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم

معنای استطاعت در دو آیه حج، پیش از مراجعه به روایات

در جلسه گذشته درباره لحاظ استطاعت در آیه شریفه که می فرماید: ﴿وَلَلَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ آلِ بَيْتٍ مِّنْ أَسَى تَطَاعٍ إِلَى سَبِيلٍ﴾^۱ عرض شد که عبارت ﴿مِّنْ أَسَى تَطَاعٍ إِلَى سَبِيلٍ﴾، به طور کلی و به اعتقاد بنده و آن نظره عرفیه، قسم اول از دو قسم تقید است و ربطی به آیه قبل و تصریح آن نسبت به کیفیت استطاعت ندارد. آیه قبل می فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرِجَالٌ وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۲. ﴿فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ یعنی از هر بقعه‌ای از بقاع ارض و نقطه‌ای از نقاط ارض، ﴿يَأْتِي تَوَكَّرِجَالٌ﴾ با پای پیاده بیایند، ﴿وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ﴾ یعنی بای‌نحوکان و بای‌قسم و بای‌کیفیه به حج بیایند. در اینجا می بینیم که به ﴿رِجَالٌ﴾ تصریح شده است؛ یعنی با مشی و همین طور با وسیله ناهموار؛ این طور نیست که حتماً باید با هواپیمای بیزنس کلاس امریکایی شیک و با پذیرایی مخصوص و ویژه، به حج بیایند؛ بلکه ﴿يَأْتِي تَوَكَّرِجَالٌ وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ﴾ یعنی با شتر از کار افتاده و لنگ که در شرف ماندن در راه است، باید به حج بیایند! ببینید اینها نکاتی است که فقیه باید در نظر بگیرد و میزان اهتمام شارع را نسبت به تکلیف تشخیص دهد، که به این نحو است.

همین مسئله را می بینید که در ﴿وَلَلَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ آلِ بَيْتٍ مِّنْ أَسَى تَطَاعٍ إِلَى سَبِيلٍ﴾ هم می آید. اگر شما همین مسئله را در این دو آیه مورد بررسی قرار دهید، می بینید - فعلاً این دو آیه را در نظر بگیرید تا بعداً سراغ روایات برویم - در یک آیه می فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرِجَالٌ وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾؛ از تمام نقاط باید بیایند؛ یعنی آیه صراحت و دلالت دارد که بای‌نحوکان باید به حج بیایند و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَلَلَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ آلِ بَيْتٍ مِّنْ أَسَى تَطَاعٍ إِلَى سَبِيلٍ﴾؛ یعنی هر کسی که می تواند. با در نظر گرفتن این دو آیه، استطاعت چه معنایی پیدا می کند؟ آیا استطاعت به شرط وجود هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ محقق می شود و یا اینکه اگر مرکب در حال مرگ داشته باشد و یا بتواند لنگان لنگان برود، مستطیع می شود؟! کدام یک از این دو، معنای استطاعت است؟! من از جانب خودم نمی گویم، این صراحت آیه قرآن است و جبرئیل هم بر پیغمبر وحی آورده است؛ و ابی بصیر و سکونی هم نقل نکرده‌اند؛ روایت مرسل و امثال ذلک هم نیست! آیه، استطاعت را به معنای «توان» به ما می فهماند؛ یعنی

^۱ سوره آل عمران (۳) آیه ۹۷.

^۲ سوره حج (۲۲) آیه ۲۷.

اگر توان داشتید و می‌توانید.

این همان معنایی است که ما از آیه، اولاً بلا اول، بدون مراجعه به روایت، بدون مراجعه به مردم و افکار مردم، می‌فهمیم. آیه در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و ائمه علیهم السلام هم با همین قرآن با مردم صحبت می‌کردند؛ یعنی همین قرآن، روش تخاطب با مردم بوده است.

تنافی معنای مصطلح و مشهور استطاعت در بین فقها با صریح آیه

حالا با توجه به این قضیه، استفاده ما از این آیه، آیا رفتن به حج با اطمینان، با استکانت، با مهیا بودن همه چیز، با در اختیار داشتن همه وسایل و امکانات و با آرامش خاطر نسبت به همه امور است؟! آیا شما این استطاعت را برای وجوب حج شرط می‌دانید؟! اگر این‌طور است پس درباره صریح آیه که می‌فرماید: ﴿يَا تَوَكَّرَ رَجَالٌ ۖ وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ﴾ چه می‌گویید؟! اگر معنای استطاعت زاد و راحله، مئونه برای عیال، قوت عیال و مئونه برای برگشت، تخلیه سرب و امثال ذلک باشد، شما این استطاعت را از کجا استفاده می‌کنید؟! آیه این را که بیان شد، می‌گوید. هنوز راجع به روایت هم صحبت نکرده‌ایم تا ببینیم مقصود و منظور امام علیه السلام از تفسیر استطاعت چیست. در واقع ما وقتی که درباره خود این آیه صحبت می‌کنیم، آیا با کنار هم قرار دادن دو آیه، این آیه، تفسیر استطاعت در آن آیه نیست؟! من از شما سؤال می‌کنم که آیا آیه ﴿وَأُذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرَ رَجَالٌ ۖ وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ﴾ یا تَوَكَّرَ رَجَالٌ ۖ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿ تفسیر استطاعت نیست؟! این آیه که مطالب اخلاقی، شعر و امثال ذلک ندارد، بلکه حکم است؛ حکم صریح نسبت به این مسئله است. پس استطاعت در اینجا به آن معنایی که اکنون مصطلح است و در بین فقها مطرح است، نمی‌باشد. آیه این استطاعت را نمی‌رساند، تا اینجا بحث مربوط به آیه بود، فعلاً بحث روایت نداریم.

پس تا اینجا متوجه می‌شویم آنچه را که در معنای استطاعت گفته شده است که باید شخص زاد و راحله داشته باشد و بدون آن، استطاعت حاصل نمی‌شود و یا اینکه مئونه و قوت عیال، مئونه برگشت، مئونه عمه، خاله، دایی و امثال ذلک داشته باشد و همه چیزهایی را که الآن مطرح است که من باب مثال **نعوذ بالله** می‌توانید اول شوال اسقاط استطاعت کنید، این استطاعتی که الآن در میان عرف، عوام و اهل علم مطرح است، قطعاً با صریح آیات منافات دارد؛ چون آیه می‌فرماید که اگر می‌شود باید مشیاً به حج بروی، ﴿وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ﴾ هم شده است باید به حج بروی و این استطاعت مصطلح، با استطاعت مذکور در آیه منافات دارد و در مقابل هم قرار دارند.

این بحث مربوط به استطاعت در آیات بود. البته همان‌طوری که عرض کردم نکات دیگری در اینجا وجود دارد، مثل اینکه چرا در آیه کلمه ﴿النَّاسِ﴾ بیان شده است؛ که قبلاً این بحث‌ها مطرح شد.

معنای استطاعت بنابر روایات؛ زاد و راحله نداشتن بسیاری از همراهان پیامبر

صلی الله علیه و آله در حجّ

حالا به سراغ روایات می‌آییم که یک دسته سنت رسول الله و ائمه علیهم السلام را در مورد حج بیان می‌کنند و یک دسته روایاتی است که توسط ائمه علیهم السلام به مخاطبین القاء شده است.

اگر در نظر رفقا باشد، سابق گفتیم که در حجی که رسول الله با اهل مدینه انجام دادند، بسیاری از آنها زاد و راحله نداشتند و با پای پیاده آمدند و به خاطر نداشتن زاد و مئونه سفر، در حال روزه با دانه خرما افطار می‌کردند. إن شاء الله روایاتی را که مربوط به حج در زمان پیغمبر است و از امام صادق و امام رضا علیهما السلام نقل شده است، فراموش نکرده‌ایم؛ همان روایاتی که مربوط به کراء الغمیم است، که افراد از تعب مشی شکایت کردند و رسول خدا دستور دادند که در یک جا توقف کرده و تجدید قوا کنند و دوباره حرکت کنند و به آنها فرمودند: «عیبی ندارد، شما عقب‌تر بیایید و هر جا خسته می‌شوید، در آنجا توقف کنید و بعد حرکت کنید.»^۱ رسول الله با اصحابشان هفتاد فرسخ بین مدینه و مکه را مشیاً طی کردند و حضرت وجوب حج را مشیاً به آنها القاء کردند.

کجای این حج، زاد و راحله‌ای بود؟! چه زمانی رسول خدا چنین دستوری دادند؟! مگر حکم حج در زمان رسول خدا با زمان امام صادق علیه السلام فرق می‌کند؟! حج، حج است؛ اگر بر کسی واجب باشد، واجب است؛ و اگر هم نباشد، که نیست. اگر بگوییم: «معنای استطاعت این است که آقایان می‌گویند»، در زمان رسول خدا که افراد تمکن نداشتند، طبعاً حج بر آنها واجب نبود! پس چرا با این وضع به حج می‌رفتند؟! اگر بگویید که فرق می‌کند، مثل این است که در زمان رسول خدا هر کسی دیسک بگیرد، باید ایستاده نماز بخواند، ولی در زمان امام صادق باید بخوابد! کسی که دیسک می‌گیرد باید بخوابد و مستقیماً بخواند؛ حالا چه در زمان رسول الله و چه در زمان امام صادق باشد، فرقی نمی‌کند. مریض، مریض است؛ هر شخصی که باید طبق آیه شریفه ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾^۲ در زمان پیغمبر افطار کند، در زمان امام صادق هم باید افطار کند؛ احکام عوض نشده است که بعضی‌ها این طور توجیه کرده‌اند!

تلمیذ: مصالح صدر اسلام با وقتی که اسلام مستقر شد، فرق دارد.

استاد: ببینید آن مسئله به کیفیت حج، شعائر بودنش و اینکه کعبه خالی نباشد و زائر داشته باشد، مربوط

^۱ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۱:

«الحُسَيْن بن سَعِيدٍ عن فضالة بن أيوب عن معاوية بن عمار قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجلٍ عليه دينٌ أ عليه أن يحجَّ؟ قال: "نعم، إن حجة الإسلام واجبة على من أطاق المشي من المسلمين ولقد كان أكثر من حج مع النبي صلى الله عليه وآله وسلم مشاة ولقد مر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بكرع الغميم فشكوا إليه الجهد والعناء فقال شدوا أزرکم و استبتنوا ففعلوا ذلك فذهب عنهم."»

^۲ سوره بقره (۲) آیه ۱۸۴.

می‌شود. آنهایی که این مسئله را گفته‌اند، اصلاً نظرشان این نبوده است؛ فقط نظرشان بر این بود که چون آنها فقیر بودند، لذا در آن موقع رسول‌الله اجازه دادند، درحالی که فقر، فقر است و فرقی ندارد که در زمان پیغمبر باشد یا غیر او. کسی که با راه رفتن پایش درد می‌گیرد، فرق نمی‌کند که در زمان پیغمبر باشد یا در زمان امام صادق؛ هر دو یکی است.

تلمیذ: می‌گوییم که آن حج برای استقرار اسلام بود تا مسلمین اظهار قدرت کنند و باعث گسترش اسلام شود.

استاد: استقرار اسلام، مسئله دیگری است که بر حاکم واجب است تا در صورت خلوت بودن حج، افرادی را بفرستد و اجبار کند و از بیت‌المال هم به آنها بدهد که در جلسه گذشته صحبت کردیم. شبهه‌ای مطرح می‌شود که آیا این افراد، حجتشان حج ضروره است یا استحبابی است؟ ولی به واسطه مصالحی، الزامی است و با توجه به جمع روایات متعدد، مثل روایت امام رضا علیه‌السلام که می‌فرماید: **«إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ الْحَجَّ مَرَّةً وَاحِدَةً»**^۱ در جمع بین اینها ما می‌توانیم بگوییم که منظور روایات این است که بر حاکم اسلام واجب است که در صورت خلوت بودن بیت و عدم ازدحام حاج، افرادی را برای حج الزام کند و حتی اگر فقیر باشند، از بیت‌المال بدهد.

تلمیذ: منظورم این نبود. منظورم این بود که چون در آن موقع، اسلام تازه بود، برای اینکه مکه شلوغ بشود و عده مسلمین زیاد بشود و در قبال کفار، مسلمین اظهار قدرت کنند؛ یعنی اعمال قدرت کند و باعث گسترش و استقرار اسلام بشود.

احتساب حج پیاده به عنوان حجة الاسلام واجب

استاد: حج **حَكْمٌ شَرَعِيٌّ يَسْقُطُ إِذَا حَجَّ مَعَ الْإِسْطَاعَةِ وَ لَا يَجِبُ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ**، بر فرض که بپذیریم اشخاص به خاطر این مصلحت با رسول خدا مشیاً و بدون راحله به حج رفته بودند، به حدی که حتی قوت هم نداشتند و بعضی‌ها از شدت گرسنگی به تعب افتادند! و [لی] در عین حال، رسول‌الله آنها را با خود بردند و آنها حجة الاسلام را انجام دادند؛ آیا این حجة الاسلام مجزی بوده است یا نه؟ این حج در حالی است که آنها طبق فرمایشی از امام صادق علیه‌السلام که استطاعت را زاد و راحله می‌دانند، مستطیع نبودند. البته قبلاً صحبت کردیم که اصلاً استطاعت، زاد و راحله نیست و حتی مشیاً را هم شامل می‌شود. ما در وهله اول نسبت به اصل

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۰:

«عن محمد بن سنان أن أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله. قال: «عَلَّةُ فَرَضِ الْحَجِّ مَرَّةً وَاحِدَةً، لَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَضَعَ الْفَرَائِضَ عَلَى أَدْنَى الْقَوْمِ قُوَّةً؛ فَمِنْ تِلْكَ الْفَرَائِضِ الْحَجُّ الْمَفْرُوضُ وَاحِدًا. ثُمَّ رَغِبَ أَهْلُ الْقُوَّةِ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِمْ.»

حکم نگاه می‌کنیم که این حجی که انجام داده‌اند، از دو حال خارج نبوده است:

اول اینکه اگر حجة الاسلام باشد، بنابراین حجة الاسلام را بدون شرایط انجام داده‌اند؛ پس چطور مستقط تکلیف است؟!

دوم اینکه اگر حجة الاسلام نبوده است، پس چرا رسول خدا به آنها نفرمودند که باید دوباره حج را انجام دهید؟! مگر در مورد افراد دیگر، مثلاً در مورد غلام روایت نداریم که **«فَإِنْ أُعْتِقَ أَعَادَ الْحَجَّ»**^۱؟! تلمیذ: حمل بر استحباب کرده‌اند.

استاد: مستحب نه، واجب! ما بحثمان در وجوب است؛ مگر در مورد صبی و مراهق روایت نداریم که **«إِذَا بَلَغَ يَجِبُ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»**^۲ یا مگر در مورد ناصبی روایت نداریم وقتی که مستبصر شد، **«يَجِبُ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»**؟! یا در مورد کسی که او را به حج ببرند، مگر روایت نداریم که اگر مستطیع شد، واجب است اعاده کند؟! کسی که او را می‌برند، غیر از کسی است که به او بذل مال می‌کنند؛ یک وقت به شخصی بذل مال و هبه می‌کنند و شخص هم تملک می‌کند، در این صورت **«لا يَجِبُ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»**، ولی یک وقت هم به او می‌گویند که بیا تو را با خودمان ببریم، ما با ماشین می‌رویم، تو هم بیا سوار شو تا برویم؛ در این صورت، اعاده واجب است. در تمام این روایت، «واجب است» به چه معناست؟ به این معناست که آن حکم اول حجة الاسلام لولایه است؛ یعنی اگر مستطیع نشدی، آن حج، حجة الاسلام است؛ و اِلَّا حجة الاسلام به حساب نمی‌آید.

حالا اگر این افرادی که مشیاً با رسول‌الله به حج رفته‌اند و حج انجام داده‌اند، بعداً زاد و راحله پیدا کنند، آیا **«يَجِبُ عَلَيْهِمُ الْإِعَادَةُ أَوْ لَا؟»** شما نمی‌توانید بگویید: **«يَجِبُ عَلَيْهِمُ الْإِعَادَةُ»**؛ چون حکمی که پیغمبر در آنجا کردند و برخوردی که پیغمبر داشتند، حکم و برخورد حجة الاسلام بود. در هیچ جا نداریم که رسول‌الله به آنها گفته باشد که اگر زاد و راحله پیدا کردید و وضعتان خوب شد، باید دوباره حج انجام دهید! بله، روایت: **«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجَدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ»**^۳، مسئله دیگر و بحثی است که ما آن را می‌خوانیم، ولی اینکه رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم بگوید: «من این را به عنوان حجة الاسلام قبول ندارم، بلکه فعلاً به عنوان رعایت مصالح به حج بیایید تا جمعیت شما باعث جلب توجه و امثال ذلک شود و همه ببینند که حج شلوغ شده است، ولی بعداً وقتی که حجاج به قدر کفایت در مراسم حج شرکت کردند، آن موقع تکلیف مجدد بر شما عارض می‌شود و در صورت استطاعت تکلیف مجدد پیدا می‌کنید»، [نداریم! آیا حضرت چنین فرموده است؟!] همان‌طور که به شخصی که به عنوان آشپز کاروان به مکه رفته است، می‌گویند: «اگر مستطیع

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۰.

^۲ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۹.

^۳ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۷.

شدی، دوباره باید حج انجام دهی!» یا به شخصی که به عنوان مُبَلَّغ به حج رفته است، می‌گویند: «اشکال ندارد، ولی بعداً که مستطیع می‌شوی، باید دوباره حج انجام دهی!» همین‌طور به پزشک کاروان می‌گویند که دوباره باید به حج برود! اما ما گفتیم که تمام اینها حجة الاسلام می‌باشند.

پس حجی را که افراد در زمان رسول‌الله مشیاً انجام داده‌اند، قطعاً حجة الاسلام بوده است، اما اینکه چطور با روایت امام صادق علیه‌السّلام که می‌فرمایند: «**الاستطاعة هو الزاد و الراحلة**»، سازگار است؟ إن شاء الله در جلسه بعد به آن می‌پردازیم.

اللهم صلّ على محمد و آل محمد